

Scientific and Political Position of Mullah Abd al-Wahed ibn Ali Shushtari¹

Fatemeh Sadeghi Alanjgh^{*}

Hoseyn Dawarzani^{}**

(Received on: 2020-03-10; Accepted on: 2020-07-12)

Abstract

Mullah Abd al-Wahed ibn Ali Shushtari, a jurist, fundamentalist and scholar of rational and narrative Shiite sciences, lived in the late tenth and early eleventh centuries AH. Despite his fame in his time, in some books he is known only as the master of the third martyr, Ghazi Nurollah Shushtari, to the extent that one of his most important works is attributed to the Ghazi. During his life, he traveled to different cities of Iran, including Shiraz, Isfahan and Ardabil, in order to acquire knowledge from scholars such as Khajeh Jamal al-Din Mahmud Shirazi, Aghajan Shirwani and Mir Abolfath Sharfeh. Mullah's scholarly status was at a level where he was chosen as the Crown Prince's master by his contemporary scholars, but he resigned due to the unfavorable political situation. Among his students, in addition to Ghazi Nurollah and the Crown Prince of Safavid, we can mention Mirza Makhdum Sharifi and Afzal al-Din Torkeh. Mullah had several works, among which the manuscripts of *Sharh Mokhtasar al-Osul*, *Sharh Tahzib al-Osul* and *al-Taklif fi Zaman al-Ghaybah* are left in the National Library, the Library of Astan Quds and the Library of Ayatollah Golpayegani. The power of reasoning, wise judgment and mastery over the views of Sunni fundamentalists are some of outstanding features in the mentioned works.

Keywords: Abd al-Wahed ibn Ali Shushtari, Ghazi Nurollah Shushtari, Annotation of *Sharh Mokhtasar al-Osul*, Safavid Scholars.

1. This article is taken from: Fatemeh Sadeghi Alenjagh, "Correction, Research and Annotation of Two Shiite Commentaries on Azodi's *Sharh Mokhtasar al-Osul* (Commentaries of Baha al-Din Muhammad ibn Hoseyn Ameli and Abd al-Wahed ibn Ali Shushtari)", 2020, PhD Thesis, Supervisor: Hoseyn Dawarzani, Faculty of Theology and Islamic Studies, University of Tehran, Tehran, Iran.

* PhD Student in Jurisprudence and Fundamentals of Islamic Law, University of Tehran, Tehran, Iran (Corresponding Author), sadeghy.mohanna135@gmail.com.

** Associate Professor, Department of Jurisprudence and Fundamentals of Islamic Law, University of Tehran, Tehran, Iran, davarzani@ut.ac.ir.

پژوهش‌نامه امامیه

«مقاله پژوهشی»

سال هفتم، شماره سیزدهم، بهار و تابستان ۱۴۰۰، ص ۲۷۳-۲۹۶

جایگاه علمی و سیاسی ملا عبدالواحد بن علی شوشتری^۱

فاطمه صادقی آلنجق*

حسین داورزنی**

[تاریخ دریافت: ۱۳۹۸/۱۲/۲۰؛ تاریخ پذیرش: ۱۳۹۹/۰۴/۲۲]

چکیده

ملا عبدالواحد بن علی شوشتری، فقیه، اصولی و دانا به علوم معقول و منقول شیعه، در اواخر سده دهم و اوایل سده یازدهم هجری می‌زیست. وی علی‌رغم شهرت در عصر خویش، در برخی کتب صرفاً به عنوان استاد شهید ثالث، قاضی نورالله شوشتری، شناخته شده تا جایی که یکی از مهم‌ترین آثارش، به قاضی نسبت داده می‌شود. او در طول حیاتش، به دلیل کسب فیض از محضر علمایی همچون خواجه جمال‌الدین محمود شیرازی، آقاخان شیروانی و میرابوالفتح شرفه به شهرهای مختلف ایران از جمله شیراز، اصفهان و اردبیل سفر کرد. جایگاه علمی ملا در سطحی بود که از میان علمای معاصرش به استادی ولی‌عهد برگزیده شد، اما به دلیل اوضاع و احوال سیاسی نامناسب از این سمت استعفا کرد. از شاگردانش، علاوه بر قاضی نورالله و ولی‌عهد صفوی، می‌توان به میرزا مخدوم شریفی و افضل‌الدین ترکه اشاره کرد. ملا تألیفات متعددی داشت که از این میان نسخ خطی شرح مختصر الاصول، شرح مبادئ الاصول، شرح تهذیب الاصول و التکلیف فی زمن الغیبه، در کتابخانه‌های ملی، آستان قدس و آیت‌الله گلپایگانی بر جای مانده است. قوت استدلال، قضاوت عالمانه و تسلط بر آرای اصولیان عامه از ویژگی‌های برجسته وی در این آثار است.

کلیدواژه‌ها: عبدالواحد بن علی شوشتری، قاضی نورالله شوشتری، حاشیه شرح مختصر الاصول، علمای صفویه.

۱. برگرفته از: فاطمه صادقی آلنجق، تصحیح، تحقیق و تعلیق دو حاشیه شیعی بر شرح مختصر الاصول عضدی (حواشی بهاء‌الدین محمد بن حسین عاملی و عبدالواحد بن علی شوشتری)، رساله دکتری، استاد راهنما: حسین داورزنی، دانشکده الهیات و معارف اسلامی، دانشگاه تهران، تهران، ایران، ۱۳۹۹.

* دانشجوی دکتری فقه و مبانی حقوق اسلامی، دانشگاه تهران، تهران، ایران (نویسنده مسئول) sadeghy.mohanna135@gmail.com

** دانشیار گروه فقه و مبانی حقوق اسلامی، دانشگاه تهران، تهران، ایران davarzani@ut.ac.ir

مقدمه

از آنجایی که حوزه شیعه در عصر صفویه مملو از اندیشمندان بنام و فاضل بوده، نام برخی از آنها، از دید پژوهشگران پنهان مانده است. ملا عبدالواحد بن علی شوشتری (قرن ۱۰ ه.ق.)، استاد و پدر علمی شهید ثالث قاضی نورالله شوشتری (شهادت ۱۰۱۹ ه.ق.) است. بیشتر حیاتش در دوره شاه طهماسب اول (متوفای ۹۸۴ ه.ق.؛ ح. ۹۳۰-۹۸۴ ه.ق.) گذشت که به علمای شیعه توجه بسیار داشت (منشی، ۱۳۱۴: ۱۰۸/۱؛ جعفریان، ۱۳۷۹، به نقل از: تمیم امل الآمل: ۷۳۴/۲ و ۷۳۵) و دانشمندان بزرگ شیعه را که در سایر بلاد مانند جبل عامل و بحرین سکونت داشتند به ایران دعوت کرد و آنها حضور گسترده‌ای در رأس حکومت داشتند (منشی، ۱۳۱۴: ۱۱۵/۱؛ جعفریان، ۱۳۷۹: ۱۹۵/۱؛ نک.: کحاله، ۱۳۷۶: ۱۹/۱۳؛ ۱۴۶/۶؛ ۲۱۵/۸) تا جایی که شاه عملاً از قدرت صوفیان، علی‌رغم نقش مهمشان در به قدرت رسیدن شاه اسماعیل اول (متوفای ۹۳۰ ه.ق.؛ ح. ۹۰۷-۹۳۰ ه.ق.)، کاست و به شدت با آنها مقابله کرد (فتاحی اردکانی و آقائوری، ۱۳۹۴: ۷۸؛ نجفی‌نژاد، جدیدی و یوسف‌جمالی، ۱۳۹۶: ۱۴۰ و ۱۴۱). لذا به دوره حکومت وی، دوره تثبیت مذهب تشیع اطلاق می‌شود (جعفریان، ۱۳۷۹: ۱۱۰/۳؛ نجفی‌نژاد، جدیدی و یوسف‌جمالی، ۱۳۹۶: ۱۴۲). مثلاً معروف‌ترین دانشمند شیعی که با حمایت کامل شاه طهماسب امور مهم کشور را به دست گرفت محقق ثانی، علی بن حسین بن عبدالعالی کرکی (شهادت ۹۴۰ ه.ق.) است (رحمتی، ۱۳۹۵: ۲۱۶؛ افندی، بی‌تا: ۴۴۱/۳؛ تکابنی، ۱۳۸۶: ۳۴۷؛ امین، بی‌تا: ۲۰۸/۸؛ جعفریان، ۱۳۷۹: ۲۱۱/۱؛ ۵۲۰/۲). شاه وی را نائب امام زمان (عج) می‌خواند و خود را مجری اوامر و نواهی محقق کرکی می‌دانست (امین، بی‌تا: ۱۷/۳۸ و ۱۸؛ دوانی، ۱۳۸۶: ۴۲۲/۴).

به دلیل همین جایگاه بالای علمای شیعه در آن عصر، بسیاری از دانشمندان آن دوره و آثارشان شناسایی شده، اما در این میان شخصیت ملا عبدالواحد شوشتری نسبتاً ناشناخته مانده است. شاهد بر این مطلب آن است که در طبقات اعلام آقابزرگ تهرانی و دانش‌نامه جهان اسلام، ریاض العلماء افندی، ریاض الجنة زنوزی، تاریخ شوشتر جزایری و سایر تراجم یا موسوعات متأخر، از او فقط به عنوان استاد قاضی نورالله شوشتری یاد شده و حتی در روضات الجنات خوانساری نامی از او ذکر نشده است. در نتیجه بیشتر اطلاعات ما از سرگذشت و آثار او به کتاب فردوس در تاریخ شوشتر نوشته علاءالملک بن نورالله شوشتری باز می‌گردد که به نقل از پدرش، قاضی نورالله، به شرح نسبتاً مفصلی از سرگذشت استادش، ملا شوشتری اشاره کرده است. همچنین، محدث ارموی در فیض الاله (مقدمه صوارم المهرقه)، با هدف بررسی دقیق زندگی قاضی، بخش کوتاهی از همین نقل را تشریح کرده است (محدث ارموی، ۱۳۸۷: ۸۵). لذا این نوشتار برای نخستین بار و با

هدف گردآوری اطلاعات تاریخی و جامع از زندگی و آثار باقی‌مانده از ملا عبدالواحد شوشتری، با روش کتاب‌خانه‌ای و رویکرد توصیفی-تحلیلی همه آنچه را از سرگذشت او دست‌یافتنی است، نقل و تبیین می‌کند.

شناخت‌نامه ملا شوشتری

منابع در نام ملا شوشتری با یکدیگر اختلاف دارند. برخی او را عبدالوحید یا عبدالرحیم دانسته‌اند. مثلاً در مقاله زندگی‌نامه قاضی سید نورالله مرعشی شوشتری آمده است: «از کتاب ریاض چنین برمی‌آید که قاضی از مولی «عبدالوحید» شوشتری علمی را فرا گرفته است» (حکیم، ۱۳۷۸: ۱۰)؛ یا در کتاب تاریخ حدیث شیعه چنین نوشته شده: «ایشان [قاضی نورالله]، با صدور اجازاتی توسط اساتید خود، «عبدالوحید» شوشتری و عبدالواحد مشهدی، علاوه بر تدریس تفسیر، فقه، حدیث و عقاید امامیه، با تألیفات خود به تبلیغ تشیع و دفاع از آن می‌پرداخت» (خدایاری و پوراکبر، ۱۳۹۰: ۳۲۳/۱؛ نک.: صدرالافاضل، ۱۳۷۴: ۶۹۴؛ امینی گلستانی، بی‌تا: ۳۴۶/۳؛ طریحی، بی‌تا: ۱۸۲/۱؛ شوشتری، ۱۳۹۴: ۳۶ و ۳۷). اما بیشتر محققان و در رأس آنها علاءالملک بن نورالله که ملا را با یک واسطه می‌شناخته، از وی با نام عبدالواحد یاد کرده‌اند (حسینی مرعشی، ۱۳۷۸: ۵۳). محدث ارموی در مقدمه صوارم المهرقة درباره این اختلاف می‌گوید:

فاضل معاصر (امینی) در شهداء الفضیلة گفته است که قاضی در شوشتر نزد مولا عبدالوحید شوشتری تلمذ کرده است. این مطلب از دو جهت اشتباه است؛ اول، استاد قاضی، نام آن عالم نحریر شوشتری که قاضی نزد او درس خوانده، عبدالواحد است نه عبدالوحید. البته عبدالوحید، نام عالمی گیلانی معاصر با مولا عبدالواحد است ... دوم، محل تحصیل قاضی نزد آن استاد، نه در شوشتر، بلکه در مشهد مقدس رضوی بوده است (محدث ارموی، ۱۳۸۷: ۸۵؛ نک.: حسینی مرعشی، ۱۳۷۸: ۵۹).

محدث ارموی منشأ این اختلافات را کلام صاحب ریاض العلماء درباره قاضی نورالله دانسته است: «اول امر، در مقرّ و مولد خود، شوشتر، از بلاد خوزستان، بود. در آنجا نزد مولا «عبدالوحید» شوشتری علم آموخت» (افندی، ۱۴۰۱: ۲۶۵/۵؛ همو، ۱۴۳۱: ۲۶۵/۵). وی در ادامه آورده است:

از این کلام برمی‌آید که افندی، اسم استاد قاضی را عبدالوحید پنداشته است. همچنین، برمی‌آید که او نمی‌دانسته قاضی مدتی مدید در شهر مشهد مقدس رضوی به تحصیل

علوم اشتغال داشته و استفاده او از مولا عبدالوحید در آن سرزمین مقدس بوده، چنان‌که فرزندش علاءالملک به آن تصریح کرده است، بلکه خود قاضی نیز در مجالس المؤمنین صراحتاً می‌گوید که مدتی در مشهد به تحصیل کمالات اشتغال داشته است ... همچنین کلام علاءالملک در کتاب محفل فردوس، به نقل از پدرش قاضی درباره استاد بزرگوارش مولا عبدالواحد، که ضمن زندگی‌نامه خودش آورده و رویدادهای عمرش را برشمرده، بر این مدعا صراحت دارد (محدث ارموی، ۱۳۷۸: ۸۶).

در ادامه همین مطلب، محدث ارموی احتمال نسبت‌دادن تحریف «عبدالواحد» به «عبدالوحید» به کاتبان را منتفی دانسته است؛ زیرا وی عبارت افندی را از خط افندی نقل کرده است. بنابراین، نام استاد قاضی نورالله، عبدالواحد بوده، چنان‌که اغلب محققان متقدم و بیشتر فهرست‌نگاران متأخر به آن اشاره کرده‌اند (آقابزرگ تهرانی، ۱۴۳۰: ۳۶۰/۸؛ لجنة العلمية فی مؤسسة الامام الصادق علیه السلام، ۱۳۸۲: ۲۰۶/۴؛ گروه علمی مؤسسه امام صادق علیه السلام، ۱۴۱۸: ۳۶۶/۱۱).

اما درباره تاریخ ولادت و وفات ملا اطلاع دقیقی به دست نمی‌آید و به گزارش قاضی نورالله، استاد در سال‌های پیش از ۹۶۰ ه.ق. و در اوان جوانی پس از طی کردن مراحل اولیه تحصیل عازم نجف اشرف شده اما به علتی که بر ما پوشیده است، از سفر بازمانده و از طریق بندرها راهی شیراز می‌شود (حسینی مرعشی، ۱۳۷۸: ۵۳). درباره تاریخ وفات نیز نمی‌توان زنده‌بودن وی را پس از سال ۱۰۱۹ ه.ق. محتمل دانست؛ زیرا در این سال قاضی نورالله در شصت‌وسه سالگی در هند به شهادت می‌رسد، در حالی که در گزارشی که از حیات ملا برای علاءالملک نقل کرده، از عبارات «رُوح الله روحه» و «قدّس سره» استفاده کرده که این نشانه فوت استاد پیش از شهادت قاضی است (همان). علاوه بر این، قاضی در خطبه ابتدایی حاشیه شرح مختصر الاصول از بیمار بودن ملا در حین تدوین آن یاد می‌کند و می‌گوید: «به دلیل آنکه بیماری‌ای که بر استاد عارض گشته به درازا کشیده، به طوری که تدریس و مباحثه میسر نیست، من مسودات او را مرتب نمودم تا تذکره‌ای از او در میان افاضل زمان و تبصره‌ای برای اندیشمندان باشد» (شوشتری، ۱۰۵۲: ۱). به‌علاوه، در تذکره شوشتر نیز جزائری چنین آورده است: «آخوند ملا عبدالواحد که در اواخر حال به مشهد مقدس انتقال و میرنورالله ثانی شاگرد بی‌واسطه او بود» (الجزائری، ۱۳۲۸: ۷۰)؛ اگرچه تصریحی به سال وفات ملا نمی‌کند.

متأسفانه از خاندان و اجداد عبدالواحد شوشتری اطلاعی در دست نیست، الا اینکه در گزارشی که در فردوس آمده به نام برادر کوچکش، حسن، اشاره شده است: «و از اجرت آن چون در

شیراز ارزانی بود اوقات ملا [میرزا جان باغنوی] و من و برادر خرد من که حسن نام داشت می‌گذشت» (حسینی مرعشی، ۱۳۷۸: ۵۴). همچنین، در برخی کتب و مقالات به نام عمو و پسرعموی وی اشاره شده، مثلاً در مقاله «معرفی قضات ایرانی ساکن هند» ذکری از قاضی نجم‌الدین علی، پسرعموی ملا، به میان آمده: «از دیگر قضات ایرانی شیعه که در زمان امیر فتح‌الله شیرازی (متوفای ۹۹۷ ه.ق.) به قضاوت شهرهای مختلف گماشته شدند، می‌توان به قاضی نجم‌الدین علی ... اشاره کرد» (بابایی سیاب و حاجیان‌پور، ۱۳۹۳: ۳۸)؛ و در توضیح این شخصیت گفته شده:

وی از بنی‌اعمام محقق‌نحری مولانا عبدالواحد بود. علوم متداول زمان خود را نزد دانشمندان دیار خود (شوشتر) فرا گرفت و در زمان اکبرشاه (متوفای ۱۰۱۴ ه.ق.) به هند آمد و مدتی قضای دارالسلطنه آگره به او تفویض شد. او دوباره به وطن خود بازگشت تا اینکه در زمان جهانگیرشاه (متوفای ۱۰۳۷ ه.ق.) دوباره به هند آمد و در همان جا درگذشت (مرعشی شوشتری، ۱۳۵۲: ۳۳؛ بابایی سیاب و حاجیان، ۱۳۹۳: ۴۰).

در کتاب فردوس در تاریخ شوشتر نیز نام قاضی نجم‌الدین علی شوشتری و ملا سعدالدین محمّد، متخلّص به «بی‌کسی» عموی ملا عبدالواحد و استاد او در علوم مقدماتی، در فهرست شعرای شوشتر به چشم می‌خورد (نک: حسینی مرعشی، ۱۳۷۸: ۶۶ و ۷۳-۷۷).

دوباره انتساب خاندان ملا عبدالواحد شوشتری به پیامبر اکرم ﷺ سند معتبری وجود ندارد، جز آنچه در جلد چهاردهم دانش‌نامه جهان اسلام در صفحه ۶۶۴۳ آمده که به اشتباه از ملا عبدالواحد با نام «میر» عبدالواحد بن علی شوشتری یاد شده است. ارجاع این مطلب به صفحه ۲۵ کتاب فردوس است که پس از بررسی روشن می‌شود کلمه «میر» به اشتباه درج شده، زیرا علاءالملک نه در این صفحه و نه در صفحاتی که به ملا عبدالواحد اختصاص داده و نه در گزارش‌هایی که از عمو و پسرعموی او می‌دهد، از سادات بودن خاندان عبدالواحد بن علی خبری نمی‌دهد. همچنان که جزایری در تذکره شوشتر ذیل فصل هجدهم از عبدالواحد با لفظ «آخوند» و «ملا» نام برده است (الجزایری، ۱۳۲۸: ۷۰).

مناسبات سیاسی ملا شوشتری

شاه‌طهماسب در دوره حکومت خویش تلاش گسترده‌ای برای اجرای احکام مذهب تشیع کرد. در دوران وی حضور عالمان شیعی، رونق جلسات و حوزه‌های درسی محسوس بود. لذا تشیع فقهی

جایگزین تشیع صوفیانه و غلوآمیز قزلباش‌ها شد (جعفریان، ۱۳۷۹: ۵۱۷/۲؛ فتاحی اردکانی و آقانوری، ۱۳۹۴: ۷۱؛ نجفی‌نژاد، جدیدی و یوسف‌جمالی، ۱۳۹۶: ۱۲۹ و ۱۳۰). مولانا عبدالواحد شوشتری نیز از فضایی است که شاه به او توجه داشت. میرزا سید علی، پسر امیر اسدالله بن میرعیسی مرعشی (نک: منشی، ۱۳۱۴: ۱۰۷/۱) که در سال ۹۴۲ ه.ق. صدر شده بود (همان؛ دانش‌پژوه، ۱۳۵۰: ۹۲۹)، ملا را برای آموزش پسر چهارم شاه و ولی عهد او، یعنی حیدرمیرزا (متوفای ۹۸۴ ه.ق.) به قزوین (پایتخت ایران از سال ۹۶۵ تا ۱۰۰۶ ه.ق.) دعوت کرد. شاه از لحاظ علمی به ملا شوشتری اعتقادی راسخ داشت. شوشتری برای حفظ جانش از فتنه‌های سیاسی به‌ناچار تمارض کرد و از تربیت ولی عهد سرباز زد. علاءالملک وضعیت ملا در آن زمان را چنین توصیف کرده است: «چون در تعلیم سلطان حیدرمیرزا و محافظتِ ترکان محظوری چند بود که بیم جان بود، از خدمت میر التماس نمودم که مرا از آن خدمت خلاص سازد» (حسینی مرعشی، ۱۳۷۸: ۶۰-۶۱). با این احوال، شاه تا یک سال او را نزد خویش در قزوین نگه داشت تا در صورت بهبودی، مجدداً کلاس‌ها دایر شود. در این زمان (۹۷۶ ه.ق.) میرمحمد مؤمن استرآبادی، ملقب به میرصاحب یا میرمؤمن صاحب (متوفای ۱۰۳۴ ه.ق.) به مدرسه قزوین وارد، و به تعلیم حیدرمیرزا گماشته شد (همان: ۶۰؛ آقابزرگ تهرانی، ۱۴۳۰: ۴۳۴/۸؛ منشی، ۱۳۱۴: ۱۰۹/۱). بنابراین، مولانا عبدالواحد اعلام صحّت کرد و برای سفر به مشهد رخصت خواست و بدین طریق از خطرهای احتمالی جان سالم به در برد (نک: حسینی مرعشی، ۱۳۷۸: ۶۱).

توضیح آنکه، طبق مدارک تاریخی، فرزند دوم شاه‌طهماسب، اسماعیل میرزا (متوفای ۹۸۴ ه.ق.) ح. ۹۸۳-۹۸۴ ه.ق.)، سودای حکومتِ پس از مرگ پدر در سر داشت. همچنین، درگیری‌های داخلی میان قبایل قزلباش، که از ابتدای سلطنت شاه‌طهماسب همواره در جریان بوده، بر سر ولی عهدی وی افزایش یافت (منشی، ۱۳۱۴: ۹۱/۱-۹۳؛ هوشنگ مهدوی، ۲۵۳۵: ۴۳ و ۴۴). سرانجام بعد از مرگ شاه‌طهماسب، اسماعیل میرزا، برادرش را به قتل رساند و خود به تخت نشست (هیئتس، ۱۳۷۱: ۶۲-۷۰؛ نک: شوشتری، ۱۳۸۵: ۱۰۱). با قتل حیدرمیرزا، طرفداران اسماعیل دوم تمامی اطرافیان شاه مقتول را در معرض آزار، زندان، تبعید، ترور مخفیانه و حتی قتل و اعدام علنی قرار دادند (هوشنگ مهدوی، ۲۵۳۵: ۴۴؛ پارسادوست، ۱۳۸۱: ۱۵۸؛ نک: ترکمان، ۱۳۵۰: ۱۹۲). لذا به نظر می‌رسد آنچه مولانا عبدالواحد از آن با عنوان «محظور در تعلیم سلطان حیدرمیرزا و محافظتِ ترکان» یاد کرده بیانگر عمق بصیرت سیاسی او است. مؤید این مطلب سخنان مؤلف عالم‌آرای عباسی در سرنوشت میرمحمد مؤمن، معلّم دوم حیدرمیرزا، است که می‌گوید: «و زمان استیلای

اسماعیل میرزا تاب توقف ایران نیاورده و به جانب هنددکن رفت» (منشی، ۱۳۱۴: ۱۰۹/۱). به علاوه، اسماعیل دوم پس از بر تخت نشستن، به روحانیان اهل سنت همانند مولانا میرزاجان شیرازی (متوفای ۹۹۳ ه.ق.) و میرزا مخدوم شریفی (قرن ۱۰ ه.ق.) اهمیت بسیار داد و از آنان حمایت کرد (همان: ۱۱۵/۱)، اما در مقابل، به عالمان شیعه مذهب که با سیاست جدید مذهبی او مخالف بودند، بی‌توجهی کرد. ظاهراً یکی از انگیزه‌های شاه جدید در کاستن از قدرت علمای شیعه، افزایش نفوذ و قدرت آنان در مقایسه با توان و قدرت مقام شاهی در زمان پدرش شاه‌طهماسب یکم بود. بنابراین، وقتی با مقاومت تدریجی علمای شیعه مواجه شد آنها را تبعید یا خانه‌نشین کرد (پارسادوست، ۱۳۸۱: ۱۱۰).

به هر روی، اگرچه ملا در پایتخت دولت صفویه منصب حکومتی نداشت، اما رابطه دربار صفوی با وی در زمان شاه‌طهماسب اول به‌غایت نیکو بود تا جایی که به دلیل درجه رفیع علمی او، از میان خیل دانشمندان بنام آن زمان به استادی ولی‌عهد برگزیده شد، اما به‌مرور با مشاهده اوضاع و احوال، پیش‌بینی فتنه اسماعیل میرزا و گرایش او به صوفیان قزلباش و نیز رفتار سختگیرانه او با علمای امامیه، از تدریس اردو دست کشید و در دهه آخر حکومت طهماسب از پایتخت صفویه دور ماند (نک.: الجزایری، ۱۳۲۸: ۷۰).

سفرهای علمی و خلقیات ملا شوشتری

مولانا عبدالواحد برای تحصیل علوم مختلف بسیار سفر کرده است. او پس از سفر نافرجام به نجف به شیراز می‌رود و به تدریس مشغول می‌شود تا اینکه ملا محمدشاه لاری (متوفای ۹۷۹ یا ۹۸۰ ه.ق.) از لار به شیراز می‌آید و عبدالواحد شوشتری نزد وی شرح هدایه قاضی^۲ و شرح شمسیه^۳ می‌خواند و پس از آن در محضر آقاخان شیروانی که از تبریز به شیراز می‌آید جواهر شرح تجرید^۴ می‌آموزد. با ورود خواجه جمال‌الدین محمود شیرازی (متوفای ۹۶۲ ه.ق.) به شیراز، مولانا عبدالواحد شرح تجرید و حاشیه قدیم^۵ را نزد او فرا می‌گیرد. پس از مدتی مولانا از شیراز به اصفهان و از اصفهان به قزوین سفر می‌کند. در قزوین در خانه میرعلاءالملک مرعشی^۶ ساکن می‌شود و به او حاشیه مطالع^۷ می‌آموزد. سپس برای شرکت در درس حاشیه مطالع میرابوالفتح شرفه (متوفای ۹۷۶ ه.ق.) به سمت اردبیل عزم سفر می‌کند و به تدریس شرح تجرید و حاشیه قدیم مشغول می‌شود (نک.: حسینی مرعشی، ۱۳۷۸: ۵۸).

پس از مدتی مولانا از اردبیل به گیلان سفر می‌کند و درس شرح سدیدی^۸ در طب را نزد

صدرالشریعه^۹ دوره می‌کند و کلیات قانون را با وی به مباحثه می‌نشیند و پس از آن شرح مختصر الاصول عضدی^{۱۰} را نزد قاضی ابوالحسن لاهیجی، که از قدمای فضلالی گیلان بود، قرائت می‌کند (نک.: شوشتری، ۱۳۸۵: ۹۸). پس از مباحثه قدری از شرح مختصر الاصول عضدی به قزوین می‌رود و همراه با میرسید علی که پیش از این نام او رفت، به زیارت مشهد مقدس می‌روند و بعد از مدتی به موطن خود، شوشتر باز می‌گردد. چهار سال در شوشتر به مطالعه در کتاب‌خانه سادات عالی درجات مشغول بود و شرح مبادی الاصول و شرح بر تهذیب الاصول^{۱۱} را نیز در همین دوران نگاشت (نک.: همان: ۱۰۰). با صدارت‌یافتن مجدد میرسید علی مرعشی، ملاعبدالواحد به همراه او به قزوین رفت و تدریس ولی‌عهد را به عهده گرفت و پس از مدتی راهی مشهد شد و اجتهاد در مسائل شرعی را در مشهد پی گرفت (منشی، ۱۳۱۴: ۱۱۰/۱؛ نک.: حسینی مرعشی، ۱۳۷۸: ۶۱). با بررسی احوال ملاعبدالواحد به چند ویژگی بارز او پی می‌بریم:

اول آنکه او به شدت جویای علم بوده است. سفرهای متوالی‌اش، که عمدتاً برای کسب علم از علمای شهره آن زمان بوده، گواه خوبی بر این مطلب است. همچنین، در درس خواجه جمال‌الدین محمود شیرازی وقتی میان ملاحاجی محمود یزدی و ملا محمدشریف اصفهانی رویدشتی (متوفای ۹۹۵ ه.ق.) جدلی بر مطول^{۱۲} صورت می‌گیرد، ملاعبدالواحد برای کمک به ملاحاجی محمود یزدی درس را مطالعه می‌کند و نکات مهم و در خور استفساری را به او گوشزد می‌کند (شوشتری، ۱۳۸۵: ۹۶).

دومین ویژگی مولانا عبدالواحد آزادگی و انصاف عالمانه او است. این ویژگی در چند موضع آشکار می‌شود. در ماجرای سفر به گیلان به او توصیه می‌شود که در کنار مباحثه طبّ نزد صدرالشریعه به دیدار صدر وقت، ملاعبدالرزاق گیلانی برود. در این دیدار سخن از میرابوالفتح شرفه، استاد عبدالواحد در اردبیل، به میان می‌آید. عبدالرزاق فضیلت میرابوالفتح را انکار می‌کند. اما عبدالواحد از سخنان و آموزه‌های میرابوالفتح نکاتی برجسته را بیان می‌کند و بدین‌سان از استاد خود در حضور عبدالرزاق گیلانی با آزادگی، انصاف و شجاعت دفاع می‌کند (همان: ۹۹). البته عبدالرزاق نیز به جبران این شکست، ملاعبدالوحید گیلانی را که از شاگردانش بوده، برای جدل در مبحثی از حاشیه قدیم تجرید الاعتقاد، برای غلبه بر عبدالواحد شوشتری ترغیب می‌کند، اما ملا با رعایت آداب و شأن عالمان بر او غلبه می‌یابد و در آخر به عبدالوحید گیلانی گوشزد می‌کند که «لایق طالب عالمان نیست که در بحث به سخنان نامعقول متکلم شوند» (حسینی مرعشی، ۱۳۷۸: ۶۰). رعایت جانب انصاف و جوان‌مردی در مواجهه با متنازع در این ماجرا به خوبی هویدا است.

قوت استدلال، دیگر صفت برجسته عبدالواحد شوشتری است. در مباحث مختلف حاشیه شرح مختصر الاصول، این مطلب به خوبی آشکار است. شرح استدلالی از وی در فلسفه که از قول قاضی نورالله در کتاب فردوس در تاریخ شوشتر نقل شده، به روشنی مؤید دقت نظر و تسلط ملا عبدالواحد بر مباحث غامض علمی است. در آن خاطره ملا شوشتری در پاسخ طلبه‌ای لاهیجانی، مباحث دشوار و ظریف فلسفی را بدهاتاً و فی المجلس بیان می‌کند که مایه تعجب قاضی و احتمالاً طلاب حاضر در جلسه می‌شود. لذا قاضی نورالله آن را به عنوان اتفاقی ویژه برای فرزند خود علاءالملک نقل کرده است (نک.: همان: ۶۱-۶۲).

تسلط به دیدگاه‌های اصولیان مذاهب اربعه، از جمله سیف‌الدین علی بن ابی‌علی آمدی (متوفای ۶۳۱ ه.ق.)، امام عبدالملک بن عبدالله جوینی (متوفای ۴۷۸ ه.ق.)، ناصرالدین عبدالله بیضاوی (متوفای ۶۸۵ ه.ق.)، امام محمد بن عمر فخر رازی (متوفای ۶۰۶ ه.ق.)، محمود بن عمر زمخشری (متوفای ۵۳۸ ه.ق.)، سعدالدین مسعود بن عمر تفتازانی (متوفای ۷۹۲ ه.ق.) و ... همراه با نقد دقیق و منصفانه از دیگر ویژگی‌های عبدالواحد بن علی شوشتری است. این اشراف به حدی است که در حاشیه شرح مختصر الاصول وی به بیش از ۲۰ کتاب اصولی علمای اهل سنت و چندین حاشیه بر شرح مختصر الاصول اشاره شده است (صادق‌النقی، ۱۳۹۹: ۴۹). ملای شوشتری دانشمندی دقیق و ضابط است. نقل عبارات علما در حاشیه مختصر با کمترین تغییرات، مؤید این مطلب است. ارجاعات او اگرچه به شیوه گذشتگان خالی از علایم نگارشی است، اما برخلاف برخی از آنها بسیار دقیق است (همان: ۵۰). همچنین، وی در حاشیه شرح مختصر الاصول خود به فراخور بحث، مسائلی از سایر علوم را نیز مطرح می‌کند (همان: ۳۹) که حاکی از جامعیت او در علوم مختلف است (همان: ۴۹).

استادان، همدرسان و شاگردان

ملا سعدالدین محمّد، متخلّص به «بی‌کسی»، اولین استاد و عموی عبدالواحد بن علی است. «وی در بلاغت فصیح عهد و مسیح مهد و سبحان زمان و حسان بیان بود. تحصیل علوم متداوله نزد علمای دیار خود نموده و به اندک توجّهی قصب‌السبق از اقران ربوده. از مصنفات او آنچه به نظر مؤلف [علاءالملک بن نوالله شوشتری] رسیده: حاشیه شرح شمسیه است. دیگر شرح کافیّه. در جمیع اصناف شعر اشعار لطافت دارد» (حسینی مرعشی، ۱۳۷۸: ۷۳). ملا عبدالواحد بن علی نزد او کافیّه^{۱۳} و متوسط خوانده است. دیگر استاد او مصلح‌الدین محمد عبادی مؤلف مرآت الادوار و

مرقات الاخبار که شرح هدایة الحکمة و شرح شمسیه را به ملا عبدالواحد تعلیم داده است (همان: ۵۴). همچنین، آقاخان شیروانی در شرح تجرید قوشچی استاد ملا بوده است (همان). خواجه جمال‌الدین محمود شیرازی نیز از استادان عبدالواحد شوشتری بوده است (همان؛ رازی، بی‌تا: ۲۱۷/۱). میرابوالفتح شرفه نیز حاشیه مطالع الانوار فی المنطق را با ملا مباحثه کرده است (حسینی مرعشی، ۱۳۷۸: ۵۸). صدرالشریعه صدرای گیلانی نیز با ملا عبدالواحد به مباحثه شرح سیدی می‌نشیند که البته به گفته ملا «در اکثر مواضع استفاده او پیش از افاده بود» (همان). قاضی ابوالحسن لاهیجی نیز شرح مختصر الاصول عضدی را به ملا می‌آموزد (همان: ۶۰).

از اقران او نیز می‌توان به ملا میرزاجان باغنوی شیرازی (همان: ۵۴)، ملا احمد اردبیلی (مقدس) (متوفای ۹۹۳ ه.ق.)، ملا حاجی محمود یزدی (متوفای ۹۸۱ یا ۱۰۱۵ ه.ق.)، سید حسین عمیدی، ملا عبدالله شوشتری (متوفای ۹۹۷ ه.ق.)، ملا محمدشریف اصفهانی رویدشتی (متوفای ۹۹۵ ه.ق.)، شیخ شمس‌الدین ولد مجتهدالزمانی و ملا عبدالله بهابادی یزدی (متوفای ۹۸۱ ه.ق.) که همگی در دروس خواجه جمال‌الدین محمود با ملا همدوره بوده‌اند، اشاره کرد (رازی، بی‌تا: ۲۱۷/۱؛ حسینی مرعشی، ۱۳۷۸: ۵۵).

از شاگردان او نیز می‌توان به میرعلاءالملک مرعشی، میرابوطالب پسر میرابوالفتح شرفه (حسینی مرعشی، ۱۳۷۸: ۵۸)، حیدر میرزا ولی‌عهد و فرزند چهارم شاه‌طهماسب صفوی (همان: ۶۰)، میرزاجان پسر معصوم بیگ صفوی (نک: منشی، ۱۳۱۴: ۱۱۸/۱)، میرزا مخدوم شریفی و خواجه افضل‌الدین ترکه (حسینی مرعشی، ۱۳۷۸: ۶۰)، سید محسن بن شریف حسینی (دانش‌نامه جهان اسلام، ۱۳۹۳: ۶۶۴۳/۱؛ حسینی مرعشی، ۱۳۷۸: ۳۷) و محمدرضا^{۱۴} اشاره کرد.

اما مشهورترین و ممتازترین شاگرد ملا، قاضی شهید سید نورالله بن شرف‌الدین حسینی مرعشی شوشتری بوده است (مظفر، ۱۴۲۲: ۱۶۵/۱). وی در سال ۹۷۹ ه.ق. به علت گسترش و قوت پایگاه معنوی حوزه مشهد به آنجا رفت (حیدری ورنجبر، ۱۳۹۳: ۹؛ اطهر رضوی، ۱۳۷۶: ۵۴۰) و تا سال ۹۹۲ ه.ق. در محضر ملا عبدالواحد فقه، اصول، حدیث، تفسیر و علوم دیگر را فراگرفت (شوشتری، ۱۴۲۹: ۳۳؛ همو، بی‌تا: ۳۴۲؛ مجد، ۱۳۸۰: ۲۰۲) تا آنکه موفق به کسب اجازه از استاد شد (خدایاری و پوراکبر، ۱۳۹۰: ۳۲۴/۱؛ صدرالافضل، ۱۳۷۸: ۶۹۳، ۶۹۴). بنابراین، به جرئت می‌توان گفت بیشترین تلمذ قاضی نزد ملا عبدالواحد بوده است (شوشتری، ۱۴۰۹: ۸۸/۱ و ۱۱۳؛ نک: کاظمی و استهری، ۱۳۹۴: ۱۷۰؛ حکیم، ۱۳۷۸: ۱۹؛ تشید، ۱۳۵۰: ۳۳؛ قایدی، ۱۳۸۳: ۱۱۱؛ بابایی سیاب و حاجیان‌پور، ۱۳۹۳: ۳۹). سپس قاضی به دعوت جلال‌الدین محمد اکبرشاه به هندوستان رفت و قاضی‌القضات شد و در

سال ۱۰۱۹ ه.ق. به واسطه سعایت تنی چند از حسودان، در حدود هفتادسالگی به شهادت رسید و در اکبرآباد (آگره) دفن شد (حکیم، ۱۳۷۸: ۱۸).

میزان ارادت و محبت قاضی نورالله به استادش، به قدری بوده که فرزندش، علاءالملک در محفل سوم از کتاب فردوس در تاریخ شوشتر او را با عنوان «المولی المحقق النحریر والبحر الغزیر» معرفی می‌کند. توصیفات علاءالملک از شوشتری بیانگر درجه اعتبار و ارجمندی ملا نزد پدر او، قاضی نورالله است. این علاقه به حدی بوده که قاضی با تدویب و تدوین حاشیه شرح مختصر الاصول عبدالواحد شوشتری، موجب باقی ماندن این اثر گرانسنگ تا به امروز شده است. اگرچه برخی به همین دلیل حاشیه شرح مختصر الاصول را به اشتباه به قاضی نسبت داده‌اند (همان: ۲۵؛ حافظیان بابلی، ۱۳۸۴: ۲۶۳؛ فانی زنوزی، ۱۳۹۰: ۲۰۷/۵؛ آقابزرگ تهرانی، ۱۳۷۲: ۳۲۱/۲؛ قمی، ۱۳۶۸: ۵۶/۳؛ افندی، ۱۴۰۱: ۲۷۳/۵). احتمالاً شباهت نام خانوادگی استاد و شاگرد، که ناشی از موطن مشترکشان بوده، بر این انتساب نادرست دامن زده است.

تألیفات ملا شوشتری

هیچ یک از آثار ملا عبدالواحد چاپ نشده است. علاءالملک در فردوس، فهرستی از تألیفات او را بدین شرح ذکر می‌کند: شرح تهذیب الاصول؛ شرح مبادی؛ شرح ارشاد؛ حاشیه شرح مختصر الاصول؛ حاشیه کنز العرفان؛ حاشیه تجرید؛ حاشیه حاشیه قدیم؛ حاشیه شرح هدایه؛ حاشیه حاشیه شریفیه شمسیه؛ حاشیه تهذیب المنطق؛ حاشیه حاشیه خطایی؛ حاشیه شرح هدایه اصول حدیث؛ حاشیه رساله عمل به قول میت؛ حاشیه اثبات واجب ملا ابوالحسن کاشی؛ تکملة الحساب؛ انموذج (حسینی مرعشی، ۱۳۷۸: ۶۲، ۶۳). اما امروز فقط چهار اثر از ملا شوشتری به صورت خطی در دسترس پژوهشگران است:

الف. شرح مبادی الاصول، کتاب‌خانه آستان قدس رضوی (نک.: آقابزرگ تهرانی، ۱۳۷۲: ۴، محل ۳۴۲؛ همو، ۱۴۰۳: ۵۲/۱۴؛ حبشی، ۱۴۲۷: ۱۷۹۲/۳).

ب. شرح تهذیب الاصول که آقابزرگ در الذریعة آن را محتملاً منسوب به ملا می‌داند:

شرح مزجی و مبسوط تهذیب الاصول که مؤلف آن شناخته نشد و به نام شاه‌طهماسب صفوی نگاشته شده است. متأسفانه صفحه آغازین آن از بین رفته است. از اظهارات شارح مشخص می‌شود این اثر را در مشهد مقدس رضوی تألیف نموده و پیش از آن شرح مبادی الاصول را نگاشته است. بنابراین، محتمل است که شارح مولا عبدالواحد

شوشتری، استاد قاضی نورالله شوشتری باشد. نسخه‌ای از آن نزد سید محمدعلی بحرالعلوم و دیگری نزد شیخ حسین قدیحی بحرانی در نجف است (آقابزرگ تهرانی، ۱۴۰۳: ۱۶۷/۱۳).

انتساب این اثر به ملا چندان بیراه نیست. زیرا در شرح احوال او آمده است که شرح تهذیب الاصول را پس از شرح مبادئ الاصول نگاشته و شرح مبادئ الاصول را به نام شاه‌طهماسب صفوی تألیف کرده است (حسینی مرعشی، ۱۳۷۸: ۶۰). لذا محتمل است که شرح تهذیب را نیز به نام وی تدوین کرده باشد.

ج. شرح مختصر الاصول عضدی،^{۱۵} کتاب‌خانه ملی ایران؛ این نسخه از روی نسخه خطی قاضی نورالله شوشتری نوشته شده (سازمان اسناد و کتاب‌خانه ملی جمهوری اسلامی ایران، سامانه کتاب‌خانه و اسناد رقومی، ۱۰۶۳۲۶۲) و به ادعای کتاب‌خانه ملی این اثر کمیاب محسوب می‌شود. نسخه دیگری نیز از آن در کتاب‌خانه مرکزی آستان قدس رضوی موجود است (کتاب‌خانه دیجیتال آستان قدس رضوی، ۲۹۷۲؛ آقابزرگ تهرانی، ۱۴۰۳: ۱۳۱/۶).

د. التکلیف فی زمن الغیبة که رساله‌ای است در سه برگ و در فهرست نسخه‌های خطی کتاب‌خانه عمومی آیت‌الله گلپایگانی قم به آن اشاره شده، اگرچه نامش در فهرست علاءالملک درج نشده است (صدرایی خویی و حافظیان بابلی، ۱۳۸۸: ۱۰۳۰/۲، ۱۰۳۱).

نتیجه

ملای شوشتری اصولی، فقیه و دانا به علوم معقول و منقول در دوره حکومت شاه طهماسب یکم زیست. نام صحیحش، علی‌رغم اینکه گاه به اشتباه عبدالوحید یا عبدالرحیم ذکر شده، مطابق منابع متقدم، عبدالواحد بن علی است. اگرچه در دوره‌ای از حیاتش به تعلیم ولی عهد اشتغال داشت، اما هرگز منصبی رسمی را نپذیرفت و برخلاف اقران خود چندان وارد عرصه سیاست نشد. شاید به این دلیل یا در اثر فقدان دسترسی به بیشتر آثارش، نام وی در اکثر موسوعات و طبقات صرفاً به عنوان عالمی نحری و استاد قاضی نورالله شوشتری مطرح شده است. همچنین، زندگی نکردن در موطن و سفرهای متمادی وی سبب شده است در تذکره شوشتر اطلاع ویژه‌ای از او به دست نیاید. از میان آثار متعددی که علاءالملک بدو نسبت داده، فقط چهار اثر به صورت خطی باقی مانده است: حاشیه شرح مختصر الاصول، شرح مبادئ الاصول، شرح تهذیب الاصول و رساله‌ای کوتاه به نام التکلیف فی زمن الغیبة. فهرست‌نگاران به دلیل تدوین و تدوین حاشیه شرح مختصر الاصول عضدی به همت قاضی نورالله آن را به قاضی منسوب کرده‌اند، اما با بررسی دقیق‌تر درمی‌یابیم که این اثر به ملا عبدالواحد تعلق دارد. شباهت نام خانوادگی نیز در این انتساب نادرست بی‌تأثیر نبوده است. همچنان که به دلیل سیدبودن قاضی نورالله برخی نام استاد را «میر عبدالواحد» دانسته‌اند، حال آنکه ملا عبدالواحد از خاندان سادات شوشتری نیست.

پی‌نوشت‌ها

۱. در گذشته، فارس از ایالات قدیمی و پهناور جنوب ایران، از غرب به خوزستان، از شمال به ایالت جبال، از شرق به ایالت کرمان و از جنوب به خلیج فارس محدود می‌شد. اولین بندرگاه ایالت فارس، مهربان است که به عقیده بعضی با بندر دیلم امروزی مطابقت دارد. این لنگرگاه اولین بندری بوده است که کشتی‌ها وقتی از بصره و مصب دجله به عزم هند بیرون می‌آمدند به آن می‌رسیدند. مهربان از بندرهای مهم ایالت فارس و انبار بصره به شمار می‌رفت که کالاهای مختلف از بصره و شهرهای فارس به این بندر آورده می‌شد و پس از بارگیری در کشتی‌ها به سرزمین‌های دیگر صادر می‌شد. البته در کتاب‌های جغرافیایی که به ذکر راه‌ها و منزلگاه‌های ناحیه فارس پرداخته‌اند، فقط مسیرهای ارتباطی دو بندر جنبه (گناوه) و سیراف با شهر شیراز به‌دقت ذکر شده است؛ با این توصیف که جاده طولانی ۴۴ فرسخی، جنبه را به شیراز می‌رسانید که از شهرهای بزرگ دیگری نیز همچون توج و کازرون عبور می‌کرد (حسین‌زاده شانه‌چی، ۱۳۸۶: ۳۸-۴۳). کوتاه‌ترین فاصله کنونی بندر گناوه تا شیراز ۳۱۷ کیلومتر است.

۲. شرح هداية الحكمة، قاضی میرحسین بن معین‌الدین حسینی میبدی (متوفای حدود ۹۱۱ ه.ق.).
۳. الرسالة الشمسية، ابو عمر بن علی شافعی (متوفای ۶۷۵ ه.ق.).
۴. شرح تجرید الکلام (= العقاید = الاعتقاد) = الشرح الجدید للتجرید، علاء‌الدین علی بن محمد سمرقندی رومی قسطنطنینی مشهور به قوشچی (۸۷۹ ه.ق.).
۵. حاشیه قدیم بر شرح جدید تجرید الاعتقاد، جلال‌الدین محمد دوانی کازرونی صدیقی (متوفای ۹۰۸ ه.ق.); این حاشیه به نام سلطان خلیل بایندی است.
۶. میرعلاء‌الملک مرعشی، فرزند سید کمال‌الدین عبدالقادر که جزء مشاهیر سادات دربار طهماسب و از فضیلات آن عصر شمرده شده است. مدت‌ها به مشارکت خواجه افضل‌الدین ترکه قاضی عسکر بوده و در سال ۹۷۷ از این منصب برکنار شده و مدتی صدارت گیلان داشته است. متولی شرعی مزار شاهزاده حسین در قزوین بوده و در علم رجال، سرآمد روزگار بوده است (متوفای ۹۹۰ ه.ق.).
۷. مطلع الانوار فی المنطق، قاضی سراج‌الدین محمود بن ابی‌بکر ارموی (متوفای ۶۸۲ ه.ق.)، میرسید شریف جرجانی بر آن حاشیه زده است.
۸. المغنی فی شرح الموجز (شرح سدید)، سدیدالدین طیب کازرونی (قرن ۸ ه.ق.).
۹. صدرالشریعه صدرای گیلانی.
۱۰. شرح مختصر الاصول ابن حاجب، عبدالرحمن بن احمد عضدالدین ایجی (متوفای ۷۵۶ ه.ق.).
۱۱. تهذیب الوصول الی علم الاصول، حسن بن یوسف معروف به علامه حلّی (متوفای ۷۲۶ ه.ق.).
۱۲. المطول، شرحی است در زمینه علوم زبان عربی که سعدالدین مسعود خراسانی تفتازانی (متوفای ۷۹۲ ه.ق.) بر تلخیص المفتاح خطیب قزوینی نگاشته است.
۱۳. الکافیة (فی علم النحو) و الشافیة (فی علم التصریف والخط) = کافیة ذوی الأرب فی معرفة کلام العرب، ابو عمر عثمان بن حاجب (متوفای ۳۶۲ ه.ق.)، نحو و صرف.
۱۴. از فضیلات تلامذه مولانا عبدالواحد که اطلاعی از نام کامل و نسبش حاصل نشد (نک.: حسینی مرعشی، ۱۳۷۸: ۶۷، ۶۸).
۱۵. این نسخ در قالب رساله دکتری نویسنده مسئول، در حال تصحیح و تعلیق است.

منابع

- آقابزرگ تهرانی، محمد حسن (۱۹۸۳/۱۴۰۳). الذریعة الى تصانیف الشیعة، گردآورنده: احمد بن محمد حسینی، بیروت: دار الاضواء، ج ۶، ۱۳، ۱۴.
- آقابزرگ تهرانی، محمد حسن (۲۰۰۹/۱۴۳۰). طبقات اعلام الشیعة، بیروت: دار احیاء التراث العربی، ج ۸.
- آقابزرگ تهرانی، محمد حسن (۱۳۷۲). مصنفات شیعه، ترجمه و تلخیص: محمد آصف فکرت، مشهد: آستان قدس رضوی، بنیاد پژوهش های اسلامی، ج ۴.
- اطهر رضوی، عباس (۱۳۷۶). شیعه در هند، قم: دفتر تبلیغات اسلامی حوزه علمیه قم.
- افندی، عبدالله بن عیسی بیگ (۱۴۰۱). ریاض العلماء و حیاض الفضلاء، تحقیق: احمد حسینی اشکوری: به اهتمام: محمود مرعشی، قم: کتابخانه عمومی حضرت آیت الله العظمی مرعشی نجفی، ج ۵.
- افندی، عبدالله بن عیسی بیگ (۱۴۳۱). ریاض العلماء و حیاض الفضلاء، تحقیق: احمد حسینی اشکوری، به اهتمام: محمود مرعشی، بیروت: مؤسسه التاریخ العربی، ج ۵.
- افندی، عبدالله بن عیسی بیگ (بی تا). ریاض العلماء و حیاض الفضلاء، تحقیق: احمد حسینی اشکوری، به اهتمام: محمود مرعشی، قم: مطبعة الخیام، ج ۳.
- امین، محسن (بی تا). اعیان الشیعة، بیروت: بی نا، ج ۸، ۳۸.
- امینی گلستانی، محمد (بی تا). نوادر و متفرقات، قم: محمد امینی گلستانی، ج ۳.
- بابایی سیاب، علمی؛ حاجیان پور، محمد (۱۳۹۳). «نقش قضات ایرانی در ترویج تشیع در هند: دوره گورکانیان»، در: تاریخ فرهنگ و تمدن اسلامی، س ۵، ش ۱۵، ص ۳۱-۵۰.
- پارسادوست، منوچهر (۱۳۸۱). شاه اسماعیل دوم: شجاع تباه شده، تهران: شرکت سهامی انتشار.
- ترکمان، اسکندریک (۱۳۵۰). عالم آرای عباسی، تهران: امیرکبیر.
- تشید، علی اکبر (۱۳۵۰). «قاضی نورالله شوشتری: نوزدهمین معلم قاضی شهید»، در: تاریخ اسلام، ش ۳۰-۳۱، ص ۳۱-۴۱.
- تنکابنی، میراحمد (۱۳۸۶). قصص العلماء، تهران: علمی و فرهنگی.
- الجزایری، سید عبدالله بن نورالدین (۱۳۶۸/۱۳۲۸ ه. ق.). تذکره شوشتر، اهواز: کتاب فروشی صافی.
- جعفریان، رسول (۱۳۷۹). صفویه در عرصه دین، فرهنگ و سیاست، قم: پژوهشکده حوزه و دانشگاه، ج ۱-۳.
- حافظیان بابلی، ابوالفضل (۱۳۸۴). «صورت عرض کتب موقوفه مدرسه فاضلیه مشهد»، در: نسخه پژوهی، ش ۲، ص ۲۴۳-۲۹۲.
- حبشی، عبدالله محمد (۲۰۰۶/۱۴۲۷). جامع الشروح والحواشی، ابوظبی: هیئت ابوظبی للثقافة والتراث، المجموع الثقافي، ج ۳.
- حسین زاده شانه چی، حسن (۱۳۸۶). «بنادر ایرانی خلیج فارس در قرون میانی اسلام»، در: تاریخ اسلام، ش ۲۹، ص ۳۳-۶۶.
- حسینی مرعشی، علاء الملک بن نورالله (۱۳۷۸). فردوس در تاریخ شوشتر و برخی از مشاهیر آن، تصحیح: میرجلال الدین حسینی ارموی، بی جا: انجمن آثار و مفاخر فرهنگی.

- حکیم، سید محمدتقی (۱۳۷۸). «زندگی‌نامه قاضی سید نورالله مرعشی شوشتری»، در: مجله دانشکده ادبیات و علوم انسانی دانشگاه تهران، ش ۱۵۲، ص ۱۳-۳۲.
- حیدری، سلیمان؛ رنجبر، محمدعلی (۱۳۹۳). «بررسی تأثیر شهید ثالث در گسترش فرهنگ شیعی در هندوستان»، در: پژوهش‌نامه تاریخ اسلام، س ۴، ش ۱۶، ص ۵-۳۱.
- خدایاری، علی‌نقی؛ پوراکبر، الیاس (۱۳۹۰). تاریخ حدیث شیعه در سده‌های هشتم تا یازدهم هجری، بی‌جا: دارالحدیث، ج ۱.
- دانش‌پژوه، محمدتقی (۱۳۵۰). «یک پرده از زندگانی شاه‌طهماسب صفوی»، در: مجله دانشکده ادبیات و علوم انسانی مشهد، س ۷، ش ۴، ص ۹۱۶-۹۷۷.
- دانش‌نامه جهان اسلام (۱۳۹۳). تهران: مؤسسه دائرةالمعارف اسلامی، ج ۱ و ۱۴.
- دوانی، علی (۱۳۸۶). مفاخر اسلام، تهران: مرکز اسناد انقلاب اسلامی، ج ۴.
- رازی، امین احمد (بی‌تا). هفت اقلیم، تحقیق: جواد فاضل، تهران: علی‌اکبر علمی، ج ۱.
- رحمتی، محمدکاظم (۱۳۹۵). «سال‌شمار محقق کرکی»، در: نقد کتاب فقه و حقوق، ش ۷، ص ۲۱۳-۲۱۷.
- سازمان اسناد و کتاب‌خانه ملی جمهوری اسلامی ایران، سامانه کتابخانه و اسناد رقومی ملی، به نشانی:
<https://b2n.ir/h19294>
- شوشتری، عبدالواحد بن علی (۱۰۵۲ ه.ق.). حاشیه شرح مختصر الاصول/نسخه خطی/، ۱۳۱ برگ، کاتب: احمد بن عبدالرحمن قاری لاهوری، محل کتابت: لاهور، خط نستعلیق، شماره ۲۹۷۲ کتاب‌خانه مرکزی آستان قدس رضوی.
- شوشتری، نورالله بن شریف الدین (۱۳۸۵). الصوارم المهرقة فی نقد الصواعق المُحرقة، تصحیح: جلال‌الدین محدث، تهران: بی‌نا.
- شوشتری، نورالله بن شریف الدین (۱۳۹۴). یار غار، ترجمه: محمدجواد محمودی، قم: حبیب.
- شوشتری، نورالله بن شریف الدین (۱۴۰۹). إحقاق الحق و إزهاق الباطل، مقدمه: شهاب‌الدین مرعشی، قم: کتاب‌خانه مرعشی نجفی، ج ۱.
- شوشتری، نورالله بن شریف الدین (۱۴۲۹). کشف العوار فی تفسیر آیه الغار، تحقیق: محمدجواد محمودی، قم: حبیب.
- شوشتری، نورالله بن شریف الدین (بی‌تا). نهاية الاقدام فی وجوب المسح علی الاقدام، بی‌جا: بی‌نا.
- صادقی‌النقی، فاطمه (۱۳۹۹). تصحیح، تحقیق و تعلیق دو حاشیه شیعی بر شرح مختصر الاصول عضدی (حواشی بهاء‌الدین محمد بن حسین عاملی و عبدالواحد بن علی شوشتری)، استاد راهنما: سید محمد حسینی، استاد مشاور: احمد باقری، تهران: دانشکده الهیات و معارف اسلامی، دانشگاه تهران.
- صدرالافاضل، مرتضی حسین (۱۳۷۴). مطلع الانوار، ترجمه: محمد هاشم، مشهد: آستان قدس رضوی، بنیاد پژوهش‌های اسلامی، ج ۱.
- صدرایی خویی، علی؛ حافظیان بابلی، ابوالفضل (۱۳۸۸). فهرست نسخه‌های خطی کتاب‌خانه عمومی آیت‌الله العظمی گلپایگانی، تحقیق: مصطفی درایتی، مشهد: مرکز الجواد للتحقیق والنشر، ج ۲.
- طریحی، محمد سعید (بی‌تا). تاریخ الشیعة فی الهند، هلند: آکادیمیة الکوفة، ج ۱.
- فانی زوزی، محمدحسن بن عبدالرسول (۱۳۹۰). ریاض الجنة، تصحیح: علی صدرایی خویی، تحقیق: علی رفیعی، قم: کتاب‌خانه مرعشی نجفی، ج ۵.

فتاحی اردکانی، محسن؛ آقائوری، علی (۱۳۹۴). «ناکارآمدی فرهنگی و اجتماعی تصوف در عصر صفوی و نقش آن در تحکیم موقعیت فقیهان شیعه»، در: پژوهش‌نامه امامیه، ش ۱، ص ۶۷-۸۴.

فایدی، محمد (۱۳۸۳). «معرفی کتاب احقاق الحق»، در: مبلغان، ش ۶۲، ص ۱۰۷-۱۱۳.

قمی، عباس بن محمد رضا (۱۳۶۸). الکنی واللقاب، مقدمه: محمد هادی امینی، تهران: مکتبه الصدر، ج ۳.

کاظمی، محمد حسین؛ استهری، هادی (۱۳۹۴). «جستاری در زندگی و آثار قاضی نورالله شوشتری»، در: تاریخ نو، ش ۱۰، ص ۱۶۳-۱۸۸.

کتابخانه دیجیتال آستان قدس رضوی، نسخ خطی، به نشانی: <https://b2n.ir/e49801> و <https://b2n.ir/g95347>

کحاله، عمر رضا (۱۳۷۶). معجم المؤلفین، بیروت: دار احیاء التراث العربی، ج ۶، ۸، ۱۳.

گروه علمی مؤسسه امام صادق (ع) (۱۴۱۸). موسوعة طبقات الفقهاء، اشراف: جعفر سبحانی تبریزی، قم: مؤسسه الامام الصادق (علیه السلام)، ج ۱۱.

لجنة العلمية فی مؤسسة الامام الصادق (علیه السلام) (۱۴۲۴/۱۳۸۲). معجم طبقات المتکلمین: يتضمن ترجمة رجالات العلم و لفکر عبر اربعة عشر قرنا، مقدمه: جعفر سبحانی تبریزی، قم: مؤسسه امام صادق (علیه السلام)، ج ۴.

مجد، مصطفی (۱۳۸۰). مرعشیان در تاریخ ایران، تهران: رسانش.

محدث ارموی، جلال‌الدین (۱۳۸۷). فیض الاله فی ترجمة القاضی نورالله، ترجمه: نورالله بن شریف‌الدین شوشتری، بی‌جا: مؤسسه فرهنگی و اطلاع‌رسانی تبیان.

مرعشی شوشتری، علاء‌الملک (۱۳۵۲). فردوس، مقدمه، تصحیح و تعلیق: میرجلال‌الدین حسینی ارموی، بی‌جا: انجمن آثار ملی.

مظفر، محمد حسن (۱۴۲۲). دلائل الصدق لنهج الحق، تحقیق: مؤسسه آل‌البيت (علیهم السلام) لاحیاء التراث، قم: مؤسسه آل‌البيت (علیهم السلام) لاحیاء التراث، ج ۱.

منشی، اسکندر (۱۳۱۴). تاریخ عالم‌آرای عباسی، تهران: دارالطباعه آقا سید مرتضی، ج ۱.

نجفی نژاد، سعید؛ جدیدی، ناصر؛ یوسف‌جمالی، محمدکریم (۱۳۹۶). «بروز و ظهور باورهای شیعی در سیاست مذهبی شاه‌طهماسب صفوی»، در: شیعه‌پژوهی، ش ۱۳، ص ۱۲۱-۱۴۵.

هوشنگ مهدوی، عبدالرضا (۲۵۳۵). تاریخ روابط خارجی ایران از ابتدای دوران صفویه تا پایان جنگ جهانی دوم، تهران: انتشارات کتاب‌های سیمرخ وابسته به انتشارات امیرکبیر.

هیئتس، والتر (۱۳۷۱). شاه‌اسماعیل دوم صفوی، ترجمه: کی‌کاووس جهاننداری، تهران: علمی و فرهنگی.

References

- Afandi, Abdollah ibn Isa Beyg. 1981. *Riyaz al-Olama wa Hiyaz al-Fozala*, Researched by Ahmad Hoseyni Eshkewari, Prepared by Mahmud Marashi, Qom: Ayatollah Marashi Najafi Public Library, vol. 5. [in Arabic]
- Afandi, Abdollah ibn Isa Beyg. 2010. *Riyaz al-Olama wa Hiyaz al-Fozala*, Researched by Ahmad Hoseyni Eshkewari, Prepared by Mahmud Marashi, Beirut: Arab History Foundation, vol. 5. [in Arabic]
- Afandi, Abdollah ibn Isa Beyg. n.d. *Riyaz al-Olama wa Hiyaz al-Fozala*, Researched by Ahmad Hoseyni Eshkewari, Prepared by Mahmud Marashi, Qom: Al-Khayyam Press, vol. 3. [in Arabic]
- Agha Bozorg Tehrani, Mohammad Hasan. 1983. *Al-Zariah ela Tasanif al-Shia*, Collected by Ahmad ibn Mohammad Hoseyni, Beirut: Dar al-Azwa, vol. 6, 13, 14. [in Arabic]
- Agha Bozorg Tehrani, Mohammad Hasan. 1993. *Mosannafat Shiah (Shiite Works)*, Translated and Summarized by Mohammad Asef Fekrat, Mashhad: Astan Quds Razawi, Islamic Research Foundation, vol. 4. [in Farsi]
- Agha Bozorg Tehrani, Mohammad Hasan. 2009. *Tabaghat Alam al-Shiah (Classes of Shiite Dignitaries)*, Beirut: Arabic Heritage Revival House, vol. 8. [in Arabic]
- Al-Jazaeri, Seyyed Abdollah ibn Nur al-Din. 1949. *Tazkerah Shushtar*, Ahwaz: Safi Bookstore. [in Arabic]
- Amin, Mohsen. n.d. *Ayan al-Shiah (The Shiite Luminaries)*, Beirut: n.pub, vol. 8, 38. [in Arabic]
- Amini Golestani, Mohammad. n.d. *Nawader wa Motefarreghat*, Qom: Mohammad Amini Golestani, vol. 3. [in Arabic]
- Astan Quds Razawi Digital Library, Manuscript, at: <https://b2n.ir/g95347> and <https://b2n.ir/e49801>.
- Athar Razawi, Abbas. 1997. *Shia dar Hend (Shiites in India)*, Qom: Seminary Islamic Propaganda Office. [in Farsi]
- Babayi Siab, Ali; Hajjiyanpur, Mohammad. 2014. "Naghsh Ghozat Irani dar Tarwaj Tashayyo dar Hend: Doreh Gurkaniyan (The Role of Iranian Judges in Promoting Shiism in India: The Gurkhanid Period)", in: *History of Islamic Culture and Civilization*, yr. 5, no. 15, pp. 31-50. [in Farsi]
- Daneshpajuh, Mohammad Taghi. 1971. "Yek Pardeh az Zendegani Shah Tahmasb Safawi (A Scene from the Life of Safavid Shah Tahmasb)", in: *Journal of Faculty of Literature and Humanities in Mashhad*, yr. 7, no. 4, pp. 916-977. [in Farsi]

- Dawani, Ali. 2007. *Mafakher Islam (Islamic Figures)*, Tehran: Islamic Revolution Documentation Center, vol. 4. [in Farsi]
- Encyclopedia of the Islamic World*. 2014. Tehran: Islamic Encyclopedia Institute, vols. 1 and 14. [in Farsi]
- Fani Zenuzi, Mohammad Hasan ibn Abd al-Rasul. 2011. *Riyaz al-Jannah (The Garden of Eden)*, Edited by Ali Sadrayi Khoiyi, Researched by Ali Rafi'i, Qom: Marashi Najafi Library, vol. 5. [in Arabic]
- Fattahi Ardakani, Mohsen; Aghanuri, Ali. 2015. "Nakaramadi Farhangi wa Ejtemai Tasawwof dar Asr Safawi wa Naghsh An dar Tahkim Mogheiyat Faghihan Shiah (Cultural and Social Inefficiency of Sufism in the Safavid Era and Its Role in Strengthening the Position of Shiite Jurists)", *Imamiyyah Studies*, yr. 1, no. 2, pp. 67-84. [in Farsi]
- Ghayedi, Mohammad. 2004. "Moarrefi Ketab Ehghagh al-Hagh (Introducing the Book of Ehghagh al-Hagh)", in: *Missionaries*, no. 62, pp. 107-113. [in Farsi]
- Habashi, Abdollah Mohammad. 2006. *Jame al-Shoruh wa al-Hawashi*, Abu Dhabi: Abu Dhabi Board for Culture and Inheritance, Cultural Complex, vol. 3. [in Arabic]
- Hafeziyan Baboli, Abolfazl. 2005. "Surat Arz Kotob Moghufeh Madreseh Fazeliyeh Mashhad (Images of the Endowed Books of Fazelieh School in Mashhad)", in: *Manuscript Research*, no. 2, pp. 243-292. In Farsi]
- Hakim, Seyyed Mohammad Taghi. 1999. "Zendegi Nameh Ghazi Seyyed Nurollah Marashi Shushtari (Biography of Ghazi Seyed Nurollah Marashi Shushtari)", in: *Journal of the Faculty of Literature and Humanities*, University of Tehran, no. 152, pp. 13-32. [in Farsi]
- Heydari, Soleyman; Ranjbar, Mohammad Ali. 2014. "Barresi Tathir Shahid Thaleth dar Gostaresh Farhang Shii dar Hendustan (Investigating the Impact of the Third Martyr on the Spread of Shiite Culture in India)", in: *Journal of Islamic History*, yr. 4, no. 16, pp. 5-31. [in Farsi]
- Hinz, Walter. 1992. *Shah Isma'il II Safavi*, Translated by Keykawus Jahandari, Tehran: Scientific and Cultural. [in Farsi]
- Hoseyni Marashi, Ala al-Molk ibn Nurollah. 1999. *Ferdos dar Tarikh Shushtar wa Barkhi az Mashahir An (Ferdows in the History of Shushtar and Some of its Figures)*, n.p: Association of Cultural Works and Figures. [in Farsi]
- Hoseynzadeh Shanehchi, Hasan. 2007. "Banader Irani Khalij Fars dar Ghorun Miyani Islam (Persian Gulf Ports in the Middle Ages of Islam)", in: *History of Islam*, no. 29, pp. 33-66. [in Farsi]

- Hushang Mahdawi, Abd al-Reza. n.d. *Tarikh Rawabet Khareji Iran az Ebteday Doran Safawiyeh ta Payan Jang Jahani Dowwom (History of Iran's Foreign Relations from the Beginning of the Safavid Period to the End of World War II)*, Tehran: Simorgh Books Publication affiliated to Amirkabir Publications. [in Farsi]
- Jafariyan, Rasul. 2000. *Safawiyeh dar Arseh Din, Farhang wa Siyasat (Safavids in the Field of Religion, Culture and Politics)*, Qom: Research Institute of Hawzeh and University, vol. 1-3. [in Farsi]
- Kahaleh, Omar Reza. 1957. *Mojam al-Moallefin (Dictionary of Authors)*, Beirut: Arab Heritage Revival House. [in Arabic]
- Kazemi, Mohammad Hoseyn; Estahari, Hadi. 2015. "Jastari dar Zendegi wa Athar Ghazi Nurollah Shushtari (An Inquiry into the Life and Works of Ghazi Nurollah Shushtari)", in: *New History*, no. 10, pp. 163-188. [in Farsi]
- Khodayari, Ali Naghi; Purakbar, Elyas. 2011. *Tarikh Hadith Shiah dar Sadeh-hay Hashtom ta Yazdahom Hejri (History of Shiite Hadith in the Eighth to Eleventh Centuries AH)*, n.p: Al-Hadith Institute, vol. 1. [in Farsi]
- Majd, Mostafa. 2001. *Marashiyān dar Tarikh Iran (Marashians in the History of Iran)*, Tehran: Resanesh. [in Farsi]
- Marashi Shushtari, Ala al-Molk. 1973. *Ferdos (Paradise)*, Foreworded, Edited and Annotated by Mir Jalal al-Din Hoseyni Ormawi, n.p: National Works Association. [in Farsi]
- Mohaddeth Ormawi, Jalal al-Din. 2008. *Feyz al-Elah fi Tarjemah al-Ghazi Nurollah*, Translated by Nurollah ibn Sharif al-Din Shushtari, n.p: Tebyan Cultural and Information Institute. [in Farsi]
- Monshi, Eskandar. 1935. *Tarikh Alam Aray Abbasi*, Tehran: Printing House of Agha Seyyed Morteza, vol. 1. [in Farsi]
- Mozaffar, Mohammad Hasan. 2002. *Dalael al-Sedgh le Nahj al-Hagh (Evidence of Truthfulness for the Right Approach)*, Qom: Al al-Bayt Institute for the Revival of Heritage, vol. 1. [in Arabic]
- Najafinejad, Said; Jadidi, Naser; Yusof Jamali, Mohammad Karim. 2017. "Boruz wa Zohur Bawar-hay Shi'i dar Siyasat Mazhabi Shah Tahmasb Safawi (Emergence of Shiite Beliefs in the Religious Politics of Safavid Shah Tahmasb)", in: *Shiite Studies*, no. 13, pp. 121-145. [in Farsi]
- National Documents and Library Organization of the Islamic Republic of Iran, National Digital Library and Documents System, at: <https://b2n.ir/h19294>.

- Parsadust, Manuchehr. 2002. *Shah Esmail Dowwom: Shoja Tabah Shodeh (King Ismail II: The Ruined Brave)*, Tehran: Publishing Joint Stock Company. [in Farsi]
- Qomi, Abbas ibn Mohammad Reza. 1989. *Al-Kona wa al-Alghab (Titles and Epithets)*, Foreworded by Mohammad Hadi al-Amini, Tehran: Al-Sadr Press, vol. 3. [in Arabic]
- Rahmati, Mohammad Kazem. 2016. "Sal Shomar Mohaghghegh Karaki (Chronicle of Mohaghghegh Karki)", in: *Critique of the Book of Jurisprudence and Law*, vol. 7, pp. 213-217. [in Farsi]
- Razi, Amin Ahmad. n.d. *Haft Eghlim (Seven Lands)*, Researched by Jawad Fazel, Tehran: Ali Akbar Elmi, vol. 1. [in Farsi]
- Sadeghi Alenjagh. 2020. Correction, Research and Annotation of Two Shiite Commentaries on Azodi's Sharh Mokhtasar al-Osul (Commentaries of Baha al-Din Muhammad ibn Hoseyn Ameli and Abd al-Wahed ibn Ali Shushtari)", PhD Thesis, Supervisor: Seyyed Mohammad Hoseyni, Advisor: Ahmad Bagheri, Faculty of Theology and Islamic Studies, University of Tehran.
- Sadr al-Afazel, Morteza Hoseyn. 1995. *Matla al-Anwar (Origin of Lights)*, Translated Mohammad Hashem, Mashhad: Astan Quds Razawi, Islamic Research Foundation, vol. 1. [in Farsi]
- Sadrayi Khoyi, Ali; Hafeziyan Babeli, Abolfazl. 2009. *Fehrest Noskkeh-hay Khatti Ketabkhaneh Omumi Ayatollah al-Ozma Golpaygani (List of Manuscripts of the Public Library of Grand Ayatollah Golpayegani)*, Researched by Mostafa Derayati, Mashhad: Al-Jawad Center for Research and Publication, vol. 2. [in Farsi]
- Scientific Group of Imam Sadegh (AS) Institute. 1998. *Mosuah Tabaghat al-Foghaha*, Supervised by Jafar Sobhani Tabrizi, Qom: Imam Sadegh (AS) Institute, vol. 11. [in Arabic]
- Scientific Group of Imam Sadegh (AS) Institute. 2004. *Mojam Tabaghat al-Motekallemin: Yatazamman Tarjemah Rejalat al-Elm wa al-Fekr Abr Arbaata Ashara Gharnan (Dictionary of the Classes of Theologians Including the Biography of the Men of Science and Thought during Fourteen Centuries)*, Foreworded by Jafar Sobhani Tabrizi, Qom: Imam Sadegh (AS) Institute, vol. 4. [in Arabic]
- Shushtari, Abd al-Wahed ibn Ali. 1643. *Hashiyeh Sharh Mokhtasar al-Osul [Noskkeh Khatti]*, 131 pages, Transcribed by Ahmad ibn Abd al-Rahman Ghari Lahuri, Place of Transcription: Lahore, Nastaliq Script, no. 2972 of Astan Quds Razavi Central Library. [in Arabic]

- Shushtari, Nurollah ibn Sharif al-Din. 1989. *Ehghagh al-Hagh wa Ezhagh al-Batel (Achieving Truth and Eliminating Falsehood)*, Foreworded by Shahab al-Din Marashi, Qom: Marashi Najafi Library, vol. 1. [in Arabic]
- Shushtari, Nurollah ibn Sharif al-Din. 2006. *Al-Sawarem al-Mohraghah fi Naghd al-Sawaegh al-Mohraghah*, Edited by Jalal al-Din Mohaddeth, Tehran: n.pub. [in Arabic]
- Shushtari, Nurollah ibn Sharif al-Din. 2008. *Kashf al-Ewar fi Tafsir Ayah al-Ghar*, Researched by Mohammad Jawad Mahmudi, Qom: Habib. [in Arabic]
- Shushtari, Nurollah ibn Sharif al-Din. 2015. *Yar Ghar*, Translated by Mohammad Jawad Mahmudi, Qom: Habib. [in Farsi]
- Shushtari, Nurollah ibn Sharif al-Din. n.d. *Nehayah al-Eghdam fi Wojub al-Mash ala al-Aghdam (The Last Action in the Obligation of Wiping Feet)*, n.p: n.pub. [in Arabic]
- Tashayyod, Ali Akbar. 1971. "Ghazi Nurollah Shushtary: Nuzdahomin Moallem Ghazi Shahid", in: *History of Islam*, no. 30-31, pp. 31-41. [in Farsi]
- Tonekaboni, Mir Ahmad. 2007. *Stories of Scholars*, Tehran: Scientific and Cultural. [in Arabic]
- Toreyhi, Mohammad Said. n.d. *Tarikh al-Shiah fi al-Hend (History of Shiism in India)*, Netherlands: Al-Kufa Academy, vol. 1. [in Arabic]
- Torkaman, Eskandarbeyk. 1971. *Alam Aray Abbasi*, Tehran: Amirkabir. [in Farsi]